

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب خلاصة الاذکار (صدراً و ذیلاً ناقص) کاغذ آهاری نخودی با کمنداز. جدول بندی به لاجورد و سیاهی و زر

مؤلف متن .... محشی ....

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر سده ۱۲ ق احتمالاً نوع خط نسخ تعداد سطر ۱۴

جزء کتب ادعیه و اذکار زبان عربی عدد اوراق ۱۱۲

طول ۱۴٫۵ عرض ۱۱ شماره عمومی ۲۴۱۷۱

وقفی / خریداری: آستان قدس رضوی تاریخ وقف / خریداری: خرداد ۱۳۷۰

ملاحظات ....

۱۴٫۵
۱۱

خلاصة الا[illegible]

وشک در حدث داشته باشد وضو بر او واجب نیست و هرگاه و[illegible]
بگیرد و نماز کند و بعد معلوم شود که شستن یکی از [illegible]
آنها صحیح است و جبایر یعنی پارچه و تخته که بر شکست[illegible]
در موضع شستن چون دست و رو یا موضع مسح کردن چو[illegible] گاه ممکن شود
برداشتن آن پارچه و تخته تا آب وضو به پوست برسد واجب است برداشتن یا آنکه
دست مالیدن بر بالای آن تا آنکه آب در زیر آن کهنه به پوست برسد هرگاه محل
مسح یا غسل پاک باشد و الا واجب است برداشتن و پاک کردن محل وضو و هرگاه
برداشتن ممکن نشود بر بالای او مسح میکشد خواه در موضع شستن باشد یا
مسح و اگر آن محل نجس باشد یک پارچهٔ پاکی بر دور آن گذاشته بر روی آن مسح کند
و واجب است که مسح فرو بگیرد جمیع جبیره را بنا بر اجود و هرگاه سلسل البول داشته باشد
واجب است که خود را بقدر امکان محافظت کند پس مخرج بول را در کیسه بگذارد
که پنبه داشته باشد و آن را محکم می بندد و برای هر نمازی وضوی میگیرد [illegible]
نماز را با یک وضو جمع نمیکند و همچنین حکم مبطون یعنی آن کس که دایم از اجابت
صادر میشود و نمی تواند حفظ خود نماید در وقت نماز آن موضع محکم نموده او
که چیزی از آن جا بیرون نیاید و اگر نتواند واجب است که برای هر نماز وضو بگیرد و آمدن کعب
واضح آنست که وضو میگیرد برای نماز و نماز میکند و هرگاه در اثنای نماز حدثی
ظاهر شد در همان موضع وضو میگیرد و نماز را تمام میکند و فعل کثیر هرگاه در بین الخلا
تحقق شود ضرر ندارد **فصل** در مستحبات وضو مستحبات مسواک کردن
چنانکه مرویست از حضرت باقر ع که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد
رکعت بدون مسواک و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که در مسواک دوازده خصلت است
و آن از سنت پیغمبر ص است دهن را پاک [illegible] چشم را روشن میکند و حق تعالی را
از بنده راضی میگرداند و دندانها را [illegible] و بیخ دندانها را محکم
نماید و اشتهای ط[illegible] قطع میسازد و [illegible] حفظ می

تامسح ومحلش ظاهر شود اگرچه این افضل است وجایز نیست مسح کردن بر چکمه مگر در صورت
تقیه وهرگاه تقیه برطرف شود ظاهر اینست که وضو باطل است واعاده واجب است ششم
ترتیب است وان شرط است در صحت وضو باجماع علمای شیعه رضوان الله علیهم پس هرگاه
مخالفت ترتیب کند اعاده میکند هرگاه تمامی اعضا خشک شود واما هرگاه خشک
نشده باشد ورطوبت در عضوی باقی مانده باشد از همان جا میشوید ووضو را
تمام میکند وترتیب انست که اول نیت کند پس [illegible] وهرگاه از برای غایط باشد دو مرتبه
مسح [illegible] هرگاه از برای جنابت باشد سه مرتبه وان ظرف که از ان اب بر میدارد [illegible]
واختلاف [illegible] دست داستان بردارد هرگاه ان ظرف سرگشاده باشد واما
از وضو [illegible] مثل ابریق بجا [illegible] بگذارد وسنت است [illegible] مضمضه واستنشاق [illegible]
عضو [illegible] وهر مرتبه بیک کف اب نیز میتوان هر سه را جمع کرد هرگاه اب کم باشد [illegible]
مضمضه واستنشاق نیز توان نمود وسنت است که دو مرتبه [illegible] هرگاه
[illegible] مسح پس دو [illegible] دستها [illegible] واجب است که خود
[illegible] و برساند خواه بیک کف باشد وخواه بدو کف [illegible]
[illegible] اول همان عضو را بشوید وسه مرتبه شستن همین نحو بدعت است [illegible]
مسح نیست در نزد شیعه بخلاف احدی از علما ومستحب است که اب وضو یک مد باشد
وان بنابر اصح ربع صاع است وصاع [illegible] مثقال شرعی هشتصد [illegible] مثقال شرعی است
وظاهر اینست که مثقال شرعی همان دینار است که در این زمان او را مشخص [illegible] واشرفی
دو بونه میگویند ووزنش [illegible] مثقال صیرفی [illegible] وصاع [illegible] مثقال صیرفی [illegible]
مثقال وربع مثقال است همین است مقدار صاع معتبر در ذکوة فطره اما وزن مد که
او ربع صاع است [illegible] مثقال شرعی [illegible] وچهل وهفت مثقال شرعی است ونصف مثقال
[illegible] دویست وهفتاد [illegible] است ومثقال صیرفی صد وپنجاه وسه
مثقال ونیم است [illegible] هشت قروش عین رومی است
وربع قروش [illegible] وضو وکفاره [illegible]

فجاز بینهم عن ذکرهم ایاک بذکرک ایاهم [illegible] اذکرونی
با امکان هرگاه دست خشک شود مگر [illegible] نشهدان لا اله [illegible]
[illegible] دست در این صورت جایز است که مسح [illegible] دست چنانکه [illegible]
[illegible] هرگاه دست ممکن نباشد یعنی بالمره خشک شده باشد [illegible]
بدست ممکن نباشد وهرگاه دست خشک شود از اب وضو بگیرد از [illegible]
[illegible] چشم که تری اب وضو در ان باقی باشد واز ان مسح کند پس اگر [illegible]
[illegible] تازه برای مسح برندارد در صورت امکان وهرگاه ممکن نباشد
[illegible] اب در این صورت جایز است اب تازه برداشتن برای
مسح وهرگاه [illegible] شود اعاده [illegible] پنجم مسح پاها است وان واجب است
در صورت امکان واختیار پس هرگاه بشوید پاها را عوض مسح بدون تقیه وضوی او
باطل شود [illegible] ومحل مسح [illegible] است از سرهای انگشتان تا کعب
پس صحیح نیست مسح بر پاها ومراد بکعبان استخوان [illegible]
وواجب است داخل کردن کعب را در مسح ومستحب است که مسح [illegible] انگشت بکشد
واما در طول پس مجتهدین [illegible] است که تمامی پاها را مسح کنند واین
قول مختار است وافضل است [illegible] از سرهای انگشتان است تا کعب قدم وجایز است
عکس [illegible] احوط وجوب ابتدا [illegible] پای راست است وهرگاه قطع کنند موضع مسح را
ساقط میشود وواجب است که مسح به بقیه تری وضو باشد پس هرگاه اب تازه برای
وضو باطل میشود [illegible] وهرگاه رطوبت زیاد تر باشد
از رطوبت مسح [illegible] خشک کردن [illegible]

تا مسح و محلش ظاهر شود اگرچه این افضل است و جایز نیست مسح کردن بر چکمه مگر در صورت
تقیه و هرگاه تقیه برطرف شود ظاهر اینست که وضو باطل است و اعاده واجبست ششم
ترتیب است و آن شرط است در صحت وضو باجماع علمای شیعه رضوان الله علیهم پس هرگاه
مخالفت ترتیب کند اعاده میکند هرگاه تمامی اعضا خشک شود و اما هرگاه خشک
نشده باشد و رطوبت در عضوی باقی مانده باشد از همان جا میشوید و وضو را
تمام میکند و ترتیب آنست که اول نیت کند پس [illegible] و هر گاه دو لشوید پس دستها را بشوید پس
مسح [illegible] سر کند پس مسح پاها کند هفتم موالاتست و آن واجبست باجماع شیعه
و اختلاف [illegible] کرده اند در تفسیر موالات اما صحیح اول قول اکثر است و آن اینستکه تا فارغ شود
از وضو [illegible] رطوبتی از بعضی اعضا باشد و بالمره خشک نشده باشد و خشک شدن
عضو [illegible] شرط نیست پس هرگاه عضوی را بشوید و حال آنکه هیچ رطوبت در اعضا
نمانده باشد وضویش باطل است و هرگاه هوا رطوبت داشته باشد [illegible]
معتدل میبود خشک میشد وضو صحیح است و اعاده لازم نه و واجبست که خود
مباشر شستن و مسح کردن شود پس هرگاه دیگری او را وضو دهد در صورت امکان
صحیح نیست و واجبست که اعاده کند و آب وضو که پاک باشد و مطلق باشد پس هرگاه
نجس باشد یا مضاف مثل گلاب باطل است و همچنین واجبست که آب وضو مباح باشد
پس با آب مغصوب جایز نیست وضو و هرگاه ندانند که غصبی است و بعد معلوم شود پس
هرگاه بعد از فارغ شدن از وضو باشد صحیح است و بر اوست قیمت آب برای صاحب
و صاحب را لازم است که قیمت متعارف را مواخذ نماید و همچنین هرگاه بعد از فارغ
شدن از دست چه مطلع شود و مسح میکند بهمان رطوبت و هرگاه پیش از شستن
دست چپ مطلع شود که آب غصبی است باطل است و واجبست که اعاده کند و قیمت آب
بقدری که تصرف نموده بصاحبش ادا نماید و هرگاه بغیر از آب غصبی آبی پیدا نکند تیمم کند
و واجبست که اعضا وضو پاک باشد [illegible] و هر چند بیدیح باشد و هرگاه یقین
در حدث و شک در وضو داشته باشد [illegible] که بعکس باشد یعنی یقین در وضو
[illegible]

فحال بینهم عن ذکرهم ایاک بذکرک ایاهم وقلت اذکرونی
اذکرکم فیخ فیخ للذاکرین وها نحن ذا عبیدک نشهد ان لا اله سواک
ولا نعبد الا ایاک ونسألک ان نصلی علی محمد المنادی للایمان الداعی
الیک علی بصیرة و [illegible] آله الابرار وعترته الاطهار ذوی الفضائل
الجمة والمناقب الکثیرة وان تلهمنا ذکرک فی الملاء والخلاء واللیل
والنهار بالاعلان والسر [illegible] [illegible] من کل لذة بغیر ذکرک
وکل راحة دون انسک ونعوذ بک من الغفلة عنک والنسیان
والحیرة [illegible] والخذلان انک انت المنان اما بعد فیقول
افقر فقراء باب الله وخادم اهل الله محمد بن مرتضی الملقب بمحسن
احسن الله حاله ومآله وختم بالباقیات الصالحات اعماله
ینبغی للعبد ان یکون اکبر همه ذکر مولاه بل لا یکون له هم سواه
فیکون هو غایة مقصده ونهایة مناه فیذکره فی قیامه وقعوده
واکله وشربه وحرکته وسکناه کالعاشق المستهتر المقصور الهم
فیمن هواه وفی الحدیث اکثروا ذکر الله حتی یقولوا مجنون و

شیٔ شهید ولما كانت النفس مجبولة على السآمة والملال لا يصبر على
فنٍّ واحد من صنوف اللطف بها ان تروّح بالتنقل من فن الى فن
ومن نوع الى نوع بحسب كل وقت ليكثر بالانتقال لذتها و
تعظم باللذة رغبتها وتدوم بدوام الرغبة مواظبتها فلذلك
وردت في الشريعة اوراد مختلفة بحسب الاوقات و
الافعال واذكار متلونة بحسب الحوادث والاحوال كما جاءت
بها الاخبار ونطقت بها الآثار سيما من طريق اهل البيت عليهم
السلام وهي كثيرة وقد ذكرها علماء الدين شكر الله سعيهم في كتبهم
واوردوها في زبرهم ولكنهم لما لم يفردوا لها كتابا ضابطا
لفنونها المتشعبة حتى يمكن الاخذ منه بسهولة بل كانت غير
منضبطة في مواضع شتى واني كنت استفيد من القرآن
المجيد اذكارا لمطالب مخصوصة من ذلك القبيل لم يكن منها
في كتبهم الا قليل حداني ذلك جميعا الى املاء كتاب جامع
لاطرافها ولاكنافها مشتمل على خلاصة ما ذكروه وزبدة ما

اهملوه مع اشارات لطيفة بيانية ونكات شريفة عرفانية
اقتبستها من مشكاة انوار الاعلام الهداة فاني بنفسي لذو نصيب
من جنة فامليته بعد جهدي في تحصيل آحادها في مواضع كثيرة
وجهدي في جمع اشتاتها من مواطن غير يسيرة وتلخيص لها من زوائد
وتكرارات مملة مرتبا لها احسن ترتيب مضيفا الى مأخذها
بلفظ وجيز قريب ملقبا بعضها بلقب انيق غريب متبعا اكثرها
باداب نبوية وسنن مصطفوية كل ذلك تسهيلا لطالبيها و
تيسيرا للمتناوليها ولم اتفحص عن اسنادها وحال رواتها تعويلا
على الحديث الحسن المشهور المتلقى بين اصحابنا بالقبول وهو من
سمع شيئا من الثواب على شيء فصنعه كان له اجره وان لم يكن
على ما بلغه وفي معناه اخبار اخر هذا مع انصراف اكثر همتي
الى ما هو اهم من ذلك من تحصيل العلوم الدينية وكسب
المعارف اليقينية وتوزع بالي وتراكم اشغالي عسى ان ينتفع بها
غير واحد من الموفقين فيذكروني في بعض خلواتهم مستغفرين

لي بعض الثلث وصفاء الطويات لعل الله يتجاوز ببركة دعائهم
عن سيئاتي ويبدلها حسنات وسميته خلاصة الاذكار ومن شاء
فليلقبه باطمينان القلوب فانها تذكرة الله الذي بذكره تطمئن
القلوب ورتبته على مقدمة واثنى عشر فصلا وخاتمة نفعنا
الله بها وكل مريد طالب ومحب راغب وبالله التوفيق

المقدمة في فضيلة الذكر

قال الله سبحانه فاذكروني اذكركم
وقال اذكروا الله ذكرا كثيرا وقال فاذا قضيتم الصلوة فاذكروا
الله قياما وقعودا وعلى جنوبكم قال ابن عباس رضي الله عنه اي
بالليل والنهار في البر والبحر والسفر والحضر والغنا والفقر والمرض
والصحة والسر والعلانية وقال تعالى فاذا قضيتم مناسككم
فاذكروا الله كذكركم اباءكم او اشد ذكرا وقال و
الذاكرين الله كثيرا والذاكرات الاية وقال الذين امنوا وتطمئن
قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب وقال رجال لا تلهيهم
تجارة ولا بيع عن ذكر الله وقال ثم تلين جلودهم وقلوبهم الى ذكر

الله وقال تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعا و
قال سبحانه في ذم المنافقين لا يذكرون الله الا قليلا وقال
ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هواه وقال ومن يعش عن
ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين وقال فويل للقاسية
قلوبهم من ذكر الله اولئك في ضلال مبين وقال استحوذ عليهم
الشيطان فانساهم ذكر الله اولئك حزب الشيطان الا ان حزب
الشيطان هم الخاسرون وقال ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانساهم
انفسهم اولئك هم الفاسقون وقال لا تلهكم اموالكم ولا اولادكم
عن ذكر الله ومن يفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون وقال
سبحانه مخاطبا النبيه صلى الله عليه واله واذكر ربك اذا
نسيت وقال واذكر ربك في نفسك تضرعا وخيفة ودون
الجهر من القول بالغدو والاصال ولا تكن من الغافلين و
قال واذكر ربك كثيرا وسبح بالعشي والابكار وقال واذكر
اسم ربك وتبتل اليه تبتيلا وقال واذكر اسم ربك بكرة

واصيلا ومن الليل فاسجد له وسبحه ليلا طويلا وقال وسبح
بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب ومن الليل فسبحه وادبار
السجود وقال ومن اناء الليل فسبح واطراف النهار لعلك ترضى
الى غير ذلك من الايات وهي تدل على ان الطريق الى الله انما هو بتقسيم
الاوقات وعمارتها بالاذكار والاوراد قال النبي صلى الله
عليه واله احب عباد الله الى الله الذين يراعون الشمس والقمر والاظلة
لذكر الله وقال ذاكر الله تعالى في الغافلين كالشجرة الخضراء في
وسط الهشيم وفي رواية كالحي بين الاموات وفي اخرى
كالمقاتل بين الفارين وقال من احب ان يرتع في رياض الجنة فليكثر
ذكر الله وقال صلى الله عليه واله من اكثر ذكر الله احبه الله ومن ذكر
الله كثيرا كتبت له براءتان براءة من النار وبراءة من النفاق وقال
قال الله تعالى اذا علمت ان الغالب على عبدي الاشتغال بي
نقلت شهوته في مسئلتي ومناجاتي فاذا كان عبدي كذلك
فاراد ان يسهو حلت بينه وبين ان يسهو اولئك اوليائي حقا

اولئك الابطال حقا اولئك الذين اذا اردت ان اهلك الارض
عقوبة زويتها عنهم من اجل اولئك الابطال وقال سبق المفردون
قيل من هم قال المستهترون بذكر الله وضع الذكر عنهم اوزارهم
فوردوا القيامة خفافا وقال يقول الله عز وجل انا مع عبدي ما
تحركت بي شفتاه وسئل اي الاعمال افضل فقال ان تموت
ولسانك رطب بذكر الله وقال ما من قوم اجتمعوا في مجلس فلم يذكروا
اسم الله تعالى ولم يصلوا على نبيهم الا كان ذلك المجلس حسرة ووبالا
عليهم وقال الله تعالى لعيسى على نبينا وعليه السلام يا عيسى اذكرني
في نفسك اذكرك في نفسي واذكرني في ملائك اذكرك في ملا خير
من ملا الادميين يا عيسى الن لي قلبك واكثر ذكري في الخلوات
واعلم ان سروري ان تبصبص الي وكن في ذلك حيا ولا تكن ميتا
وعن الصادق عليه السلام قال قال الله تعالى من ذكرني سرا ذكرته
علانية وعنه عليه السلام قال ما من شيء الا وله حد ينتهي اليه
الا الذكر فليس له حد ينتهي اليه فرض الله تعالى الفرائض فمن اداهن

هو حد هن وشهر رمضان فمن صامه فهو حده والحج فمن حج فهو
حده الا الذكر فان الله تعالى لم يرض منه بالقليل ولم يجعل له حداً
ينتهي اليه ثم تلا يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله ذكراً كثيراً وسبحوه
بكرة واصيلاً فقال لم يجعل الله له حداً ينتهي اليه قال وكان ابي
كثير الذكر لقد كنت امشي معه وانه ليذكر الله واكل معه الطعام
وانه ليذكر الله ولقد كان يحدث القوم وما يشغله ذلك عن
ذكر الله وكنت ارى لسانه لازقاً بحنكه يقول لا اله الا الله وكان
يجمعنا فيأمرنا بالذكر حتى تطلع الشمس ويأمر بالقراءة من كان يقرأ
منا ومن كان لا يقرأ منا امره بالذكر والبيت الذي يقرأ فيه القرآن
ويذكر الله تعالى فيه يكثر بركته وتحضره الملائكة وتهجره الشياطين
ويضيء لاهل السماء كما يضيء الكوكب الدري لاهل الارض والبيت
الذي لا يقرأ فيه القرآن ولا يذكر الله فيه يقل بركته وتهجره
الملائكة وتحضره الشياطين وقد قال رسول الله صلى الله عليه
وآله الا اخبركم بخير اعمالكم ارفعها في درجاتكم وازكاها عند

مليككم وخير لكم من الدينار والدرهم ان تلقوا عدوكم فتقتلوهم
ويقتلوكم قالوا بلى قال ذكر الله تعالى كثيراً ثم قال جاء رجل الى
النبي صلى الله عليه وآله فقال من خير اهل المسجد فقال اكثرهم لله
ذكراً وقال رسول الله صلى الله عليه وآله من اعطي لساناً ذاكراً
فقد اعطي خير الدنيا والآخرة وقال في قوله ولا تمنن تستكثر قال
لا تستكثر ما عملت من خير لله الى هنا كلام الصادق صلوات
الله عليه **والاخبار في فضيلة الذكر** اكثر من ان تحصى فلنقتصر
على ذلك والذكر اما تمجيد او تسبيح او تحميد او تهليل او تكبير
او دعاء والدعاء اما استعاذة او استغفار او صلوة على
النبي صلى الله عليه وآله واهل بيته عليهم السلام او طلب
حاجة وينبغي ان يكون الدعاء مسبوقاً بالتمجيد مطلقاً و
بالصلوة ان كان غيرها لئلا يحجب عن السماء ولا يكون ابتر
كما ورد في الاخبار وعن الصادق عليه السلام من كانت له
الى الله حاجة فليبدأ بالصلوة على محمد وآل محمد ثم يسأل حاجته

ثم تختم بالصلوة على محمد وآل محمد فان الله تعالى اكرم من ان
يقبل الطرفين ويدع الوسط اذ كانت الصلوة على محمد وآل محمد
لا تحجب عنه وقد ورد لخصوص كل من انواع الذكر فضائل لا
تحصى من الكتاب والسنة لو اشتغلنا بذكرها لنا بنا عن الغرض
فلنقتصر لكل منها على حديث واحد سئل الصادق عليه السلم
عن احب الاعمال الى الله فقال ان تحمده وسئل عليه السلم عن دعاء
جامع فقال الحمد لله فانه لا يبقى احد يصلى الا دعا لك يقول سمع
الله لمن حمده وعن الباقر عليه السلم من قال سبحان الله من غير
تعجب خلق الله منها طيراً له لسان وجناحان يسبح الله عنه في
المسبحين حين تقوم الساعة ومثل ذلك الحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر وعن النبي صلى الله عليه وآله الاستغفار وقول لا
اله الا الله خير العبادة قال الله العزيز الجبار فاعلم انه لا اله
الا الله واستغفر لذنبك وعن الصادق عليه السلم قال اذا ذكر
النبي صلى الله عليه وآله فاكثروا الصلوة عليه فانه من صلى على

النبي صلوة واحدة صلى الف صلوة في الف صف من الملائكة ولم يبق
شيء مما خلقه الله الا صلى على ذلك العبد لصلوة الله عليه و
صلوة ملائكته فمن لا يرغب في هذا فهو جاهل مغرور قد برئ
الله منه ورسوله واهل بيته وسئل الباقر عليه السلم اي العبادة
افضل قال ما من شيء افضل عند الله تعالى من ان يسئل و
يطلب مما عنده وما احد ابغض الى الله ممن يستكبر عن عبادته
ولا يسأل ما عنده وافضل الاذكار التهليل قال النبي صلى الله
عليه وآله ما قلت ولا القائلون قبلي كلمة افضل من لا اله الا الله
وعنه صلى الله عليه وآله انه لا توضع في ميزان بعمل لانها لو وضعت في
ميزان من قالها صادقاً ووضعت السموات والارض وما فيهن كان
لا اله الا الله ارجح من ذلك وهي احب الكلمات الى الله ومن
قالها مخلصاً دخل الجنة واخلاصه بها ان يحجزه عما حرم الله عز وجل
وما من مؤمن يقولها الا محت ما في صحيفته من السيئات حتى ينتهي
الى مثلها حسنات وما من عبد يقولها يمد بها صوته فيفرغ الا

تناثرت ذنوبه تحت قدميه كما يتناثر ورق الشجر وهي كلمة التوحيد
وكلمة الاخلاص وكلمة التقوى وهي الكلمة الطيبة وهي دعوة الحق و
هي العروة الوثقى وهي ثمن الجنة كل ذلك عن النبي صلى الله عليه واله
ولو اضيف اليه الحي القيوم يرجى ان يكون قد اوتي بالاسم الاعظم كما
يستفاد من كثير من الاخبار ولذا قيل افضل الاذكار قول لا اله
الا الله هو الحي القيوم مسئلة هل الذكر افضل من قراءة
القرآن المستفاد من ظاهر الحديث الطويل الذي
رويناه عن الصادق عليه السلم الثاني ويؤيده الحديث المشهور عن
النبي صلى الله عليه واله افضل عبادة امتي تلاوة القرآن وايضا فانه
قسم من اقسام الذكر قائم مقامه وزاد عليه بامور كونه كلام الله وانه ذكره
الاعظم قطعا وانه ينبوع العلم وحصول الثواب على كل حرف حرف منه
كما جاء في الاخبار الى غير ذلك من المزايا وهي كثيرة جدا ولقد وقع
التصريح بالافضلية فيما رواه الحسن الديلمي في كتابه عن النبي ص انه قال
قراءة القرآن افضل من الذكر والذكر افضل من الصدقة

والصدقة افضل من الصيام والصوم جنة من النار ولكن ينبغي
ان يعلم ان هذا الحكم ليس على عمومه بل هو اكثري ومخصوص بدليل
آخر والتحقيق فيه ما ذكره بعض العلماء من التفصيل وهو ان
قراءة القرآن افضل للخلق كلهم الا للذاهب الى الله في جميع الاحوال
بداية وفي بعض احوال نهاية فان القرآن هو المشتمل على صنوف
المعارف والاحوال والارشاد الى الطريق فما دام العبد مفتقرا
الى تهذيب الاخلاق وتحصيل المعارف فالقرآن اولى به فان
جاوز ذلك واستولى الذكر على قلبه بحيث يرجى ان يفضي ذلك
به الى الاستغراق فمداومة الذكر اولى به فان القرآن يجاذب خاطره
ويسرح به في رياض الجنة والمريد الذاهب الى الله لا ينبغي ان يلتفت
الى غيره بل ينبغي ان يجعل همه هما واحدا وذكره ذكرا واحدا حتى
يدرك درجة الاستغراق ولذلك قال الله تعالى ولذكر الله
اكبر هذا كلامه رحمه الله بادنى تلخيص ولقد كنا اردنا ان
ننبه هنا على اشياء اخر مهمة ولكنا منعنا من ذلك خوف

الاطالة والافضاء الى الملالة وعسى ان نأتى بطرف منها فى خاتمة
الكتاب ان شاء الله العزيز ولنشرع فى الفصول مستعينين بالله

الفصل الاول فيما يتعلق بما بين طلوع الفجر الى طلوع الشمس

وهو وقت شريف يدل على شرفه وفضله اقسام الله تعالى به اذ
قال والصبح اذا تنفس وتمدحه به اذ قال فالق الاصباح وقال قل
اعوذ برب الفلق واطهار القدرة بقبض الظل فيه اذ قال ثم قبضناه
الينا قبضا يسيرا وهو وقت قبض الظل ببسط نور الشمس واشار
الناس الى التسبيح فيه بقوله فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون
وقوله فسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب وقوله ومن
اناء الليل فسبح واطراف النهار وقوله واذكر اسم ربك بكرة
واصيلا للاصباح اللهم انى اشهدك انه ما اصبح بى من
نعمة او عافية فى دين او دنيا فمنك وحدك لا شريك
لك لك الحمد ولك الشكر بها على حتى ترضى وبعد الرضا
كلمة نوحية كان نوح على نبينا وعليه السلم يقولها اذا اصبح

عشرا واذا امسى عشرا فسمى بذلك عبدا شكورا ولقد حث القران
المجيد على الذكر فى هذين الوقتين بما لا مزيد عليه والاذكار
الواردة فيهما غير ما ذكر كثيرة اجودها الباقيات الصالحات
اعنى التسبيحات الاربع وقول لا اله الا الله وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويميت ويحيى وهو حى لا
يموت بيده الخير وهو على كل شىء قدير وهما مصطفويان
وعن الصادق عليه السلم من قال التهليل المذكور عشر مرات
قبل ان يطلع الشمس وقبل غروبها كانت كفارة لذنوبه ذلك
اليوم لسماع الاذان اللهم انى اسالك باقبال نهارك و
ادبار ليلك وحضور صلواتك واصوات دعاتك وتسبيح
ملائكتك ان تصلى على محمد وال محمد وان تتوب
على انك انت التواب الرحيم صادقية قال عليه السلم
من قالها حين يسمع اذان الصبح وحين يسمع اذان المغرب
ثم مات فى يومه او ليلته مات شهيدا وعد بعضهم ذلك

فيما يقال بين اذان المغرب واقامته وهو قريب لمطلق الاذان
عند ما يقول المؤذن مصطفوي وروى ابن يزيد في الرزق
وليقل عند سماع الشهادتين وانا اشهد ان لا اله الا الله و
واشهد ان محمدا رسول الله اكتفي بهما عن كل من ابى وجحد
واعين بهما من اقر وشهد قال الصادق عليه السلام
من قالها كان له من الاجر عدد من انكر وجحد وعدد من اقر وشهد و
في بعض الروايات انه يأتي بالحولقة عند سماع الحيعلة
وهو جيد وينبغي ان يحضر في قلبه هول النداء يوم القيمة و
يتهيأ بظاهره وباطنه للاجابة والمسارعة ويكون مستبشرا بذلك
فرحا تأسيا بالنبي صلى الله عليه وآله حيث كان يقول ارحنا
يا بلال للقيام الى الصلوة الحمد لله نور السموات والارض
ومن فيهن انت الحق وان امرك الحق وقولك الحق ولقاءك
الحق والجنة حق والنار حق والساعة حق اللهم لك اسلمت وبك آمنت
وعليك توكلت واليك انبت وبك خاصمت واليك

حاكمت فاغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما
اعلنت انت الهي لا اله الا انت مصطفوي للحناء
بسم الله اللهم صل على محمد وآل محمد وطئ قدمي في
الدنيا والآخرة وثبتهما على الصراط يوم تزل فيه الاقدام
وان شاء فالكلمة التوجيهية الحمد لله الذي حناني ولو شاء احفاني
فقد قيل انه عليه السلام سمي عبدا شكورا بهذه الكلمة واربع
كلمات اخرى تاتي وليكن لبسه من جلوس مبتديا باليمنى للنظر
الى الماء الحمد لله الذي جعل الماء طهورا ولم يجعله نجسا
مرتضوي لاخذ الماء للوضوء بسم الله وبالله اللهم اجعلني من التوابين
واجعلني من المتطهرين باقري للمضمضة اللهم لقني حجتي
يوم القاك واطلق لساني بذكرك مرتضوي للاستنشاق
اللهم لا تحرم علي ريح الجنة واجعلني ممن يشم ريحها وروحها
وطيبها مرتضوي للاستنثار بسم الله باقري قيل
لا ينبغي التسمية الاولى عنها لانها شروع في الواجب وتلك

شروع فى المستحب لغسله اللهم بيض وجهى يوم تسود
فيه الوجوه ولا تسود وجهى يوم تبيض فيه الوجوه مرتضوى
وفيه اشارة الى قوله تعالى يوم تبيض وجوه وتسود وجوه الآيتين
وبياض الوجه وسواده كنايتان عن ظهور بهجة السرور وكآبة
الخوف فيه وقيل يوسم اهل الحق ببياض الوجه والصحيفة و
اشراق البشرة وسعى النور بين يديه وبيمينه واهل الباطل
باضداد ذلك كذا فى التفاسير لليمنى اللهم
اعطنى كتابى بيمينى والخلد فى الجنان بيسارى وحاسبنى
حسابا يسيرا مرتضوى والمراد بالخلد براءة الخلد اى
اعطنى صحيفة الاعمال بيمينى وبراءة خلودى فى الجنان بيسارى
وفيه اشارة الى قوله تعالى فاما من اوتى كتابه بيمينه فسوف
يحاسب حسابا يسيرا وينقلب الى اهله مسرورا لليسرى
اللهم لا تعطنى كتابى بشمالى ولا تجعلها مغلولة الى عنقى
واعوذ بك من مقطعات النيران مرتضوى والمقطعات

الثياب الذى يقطع كالقميص والجبة لا ما لا يقطع كالازار
والرداء وفيه اشارة الى قوله تعالى والذين كفروا قطعت
لهم ثياب من نار لمسح الرأس اللهم غشنى رحمتك وبركاتك
مرتضوى والمعنى غطنى بها واجعلها شاملة لى للرجلين
اللهم ثبتنى على الصراط يوم تزل فيه الاقدام واجعل
سعيى فيما يرضيك عنى يا ذا الجلال والاكرام مرتضوى
قال عليه السلام بعد ما توضأ وانى بهذه الاذكار من
توضأ مثل وضوئى وقال مثل قولى خلق الله له من كل قطرة
ملكا يقدسه ويسبحه ويكبره فيكتب الله له ثواب ذلك الى
يوم القيمة للفراغ الحمد لله رب العالمين باقرى وارشاد
قال سبحانك اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك
واتوب اليك واشهد ان محمدا عبدك ورسولك و
اشهد ان عليا وليك وخليفتك بعد نبيك على خليقتك
وان اولاده خلفاؤك واوصياء نبوى قال من قال

اخر وضوئه او غسله من الجنابة تحاطت عنه ذنوبه كلها كما تحاط
اوراق الشجر وخلق الله بكل قطرة من قطرات وضوئه او غسله ملكا
يسبح الله ويقدسه ويكبره ويصلي على محمد وآله الطيبين
وثواب ذلك لهذا المتوضي الى آخر ما قال من الثواب والحديث
طويل والثواب جزيل للتوجه الى المسجد بسم الله الذي خلقني
فهو يهدين الآيات الى قوله تعالى واغفر لابي كلمات ابرهيمية
قال النبي صلى الله عليه وآله من توضا ثم خرج الى المسجد فقال
حين يخرج من بيته بسم الله الذي خلقني فهو يهدين هداه الله الى
الصواب والايمان واذا قال والذي يطعمني ويسقين اطعمه
الله من طعام الجنة وسقاه من شرابها واذا قال واذا مرضت
فهو يشفين جعل الله ذلك كفارة لذنوبه واذا قال والذي
يميتني ثم يحيين اماته الله ميتة الشهداء واحياه حيوة
السعداء واذا قال والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين
غفر الله له خطاه كله وان كان اكثر من زبد البحر واذا قال رب

هب لي حكما والحقني بالصالحين وهب الله له حكما وعلما والحقه
بصالح من مضى وصالح من بقى واذا قال واجعل لي لسان صدق
في الآخرين كتب الله له في ورقة بيضاء ان فلان بن فلان من الصالحين
واذا قال واجعلني من ورثة جنة النعيم اعطاه الله منازل
في جنة النعيم واذا قال واغفر لابي غفر الله لابويه للدخول
باسم الله وبالله ومن الله والى الله وخير الاسماء كلها لله توكلت
على الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل على محمد وآل محمد
وافتح لي ابواب رحمتك وتوبتك واغلق عني ابواب معصيتك
واجعلني من زوارك وعمار مساجدك وممن يناجيك في الليل
والنهار ومن الذين هم في صلوتهم خاشعون وادحر عني
الشيطان الرجيم وليقدم رجله اليمنى قوله من زوارك اي
من القاصدين لك الملتجئين اليك وفي قوله عمار مساجدك
اشارة الى قوله تعالى انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم
الآخر واقام الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك

ان يكونوا من المهتدين وللعمارة تفسيران احدهما بناؤها وفرشها
وكنسها والاسراج فيها ونحو ذلك والثاني اكثار التردد اليها
وشغلها بالعبادة واخلاؤها من الاعمال الدنيوية وما يشبه هنا
لرؤية ما لا ينبغي فيه فان كان يبيع فيقول لا اربح الله تجارتك
وان كان ناشدا ضالة فيقول لا ردّ الله عليك وان كان انشاد
شعر فيقول فضّ الله فاك والكل مصطفوي والمراد بالشعر
كل كلام شعري منظوم او غير منظوم فما لا باس به لا باس به لنزع
الحذاء بسم الله الحمد لله الذي رزقني ما اوقي به قدمي من الاذى
اللهم ثبتهما على صراطك ولا تزلهما عن صراطك السوي و
ليكن من قيام مبتديا باليسرى للقيام الى الصلوة اللهم اني اقدم
اليك محمدا صلى الله عليه وآله بين يدي حاجتي واتوجه به اليك
فاجعلني به وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين واجعل
صلوتي به مقبولة وذنبي به مغفورا ودعائي به مستجابا
انك انت الغفور الرحيم صادق للفضل بين الاذانين اللهم اجعل

اى ذا جاه
منه

قلبي بارا وعيشي قارا ورزقي دارا واجعل لي عند قبر رسولك
صلى الله عليه وآله مستقرا وقرارا هذا ان جلس وان سجد
فليقل لا اله الا انت ربي سجدت لك خاشعا خاضعا
ذليلا فصل على محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني وتب
علي انك انت التواب الرحيم ثم ليدع بما شاء ويسأل
حاجته فعن النبي صلى الله عليه وآله ان الدعاء بين الاذان
والاقامة لا يرد للتوجه الى القبلة اللهم اليك توجهت
ومرضاتك طلبت وثوابك ابتغيت وبك آمنت وعليك
توكلت اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح مسامع قلبي لذكرك
وثبتني على دينك ودين نبيك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني و
هب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب للقائم من
مرقده اللهم انت الملك الحق لا اله الا انت سبحانك
اني ظلمت نفسي فاغفر لي ذنبي انه لا يغفر الذنوب الا انت
صادق للخامسة لبيك وسعديك والخير في يديك

والشر ليس اليك والمهدي من هديت لا ملجا منك الا اليك سبحانك
وحنانيك تباركت وتعاليت سبحانك رب البيت صادق
للسادسة يا محسن قد اتاك المسيء وقد امرت المحسن
ان يتجاوز عن المسيء وانت المحسن وانا المسيء فصل على محمد و
آل محمد وتجاوز عن قبيح ما تعلم مني صادق للسابعة وجهت
وجهي للذي فطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة
حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي و
محياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت
وانا من المسلمين صادق وفي رواية وجهت وجهي للذي
فطر السموات والارض على ملة ابراهيم ودين محمد ومنهاج علي
حنيفا مسلما من دون اضافة عالم الغيب والشهادة وهنا
الذكر للتكبيرة السابعة سواء كانت احرامية اولا للقراءة
اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم قال الله تعالى
واذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم و

هو تطهير للسان عما جرى عليه من غير الله ليستعد لذكر الله و
ذكره
كنس لحجرة القلب من تلوث الوسوسة لينزل فيها سلطان المعرفة
كما قيل وينبغي استشعار ذلك حال الاستعاذة واذا مر
باية فيها ذكر الجنة والنار سال الله الجنة وتعوذ بالله من النار
واذا مر بيا ايها الناس ويا ايها الذين آمنوا قال لبيك ربنا
واذا ختم سورة الشمس قال صدق الله وصدق رسوله واذا قرأ
آلله خير اما يشركون قال الله خير الله اكبر واذا قرئ ثم الذين
كفروا بربهم يعدلون قال كذب العادلون بالله واذا قرأ
الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك الآية كبر
الله ثلثا واذا قال ءانتم تخلقونه ام نحن الخالقون وكذا في نحوها
يقول بل انت الله الزارع بل انت الله المنزل بل انت الله المنشئ
فاذا فرغ من الاخلاص قال كذلك الله ربي كذلك الصادق
والظاهر استحبابه في كل ما يناسب لكل مقيد تكبيرة
ففي كل ثنائية احدى عشرة تكبيرة سوى الافتتاحية وينبغي حال

قال بل انت الله الخالق

التكبير استشعار عظمة الله تعالى وكبريائه جل جلاله وانه اكبر من ان
يوصف او يدركه الاوهام او من كل شيء ورفع اليدين قيل
اشارة الى ان المصلي كانه يقول الهي تبت لا اعود تبت لا اعود
او بشير برفعهما الى الاضطرار كانه يقول انا الغريق في بحر المعاصي
فخذ بيدي وهكذا كل من غرق في البحر رفع يديه **للركوع**
اللهم لك ركعت ولك اسلمت وبك امنت وعليك توكلت
وانت ربي خشع لك سمعي وبصري وشعري وبشري ولحمي ودمي
ومخي وعصبي وعظامي وما اقلته قدماي غير مستنكف ولا مستكبر
ولا مستحسر ثم يقول سبحان ربي العظيم وبحمده ثلثا في ترسل
بافوى ومن شاء فليزد في التسبيح الى ما لا يحصل معه السامة
كما فعله الصادق عليه السلم وينبغي ان يخطر بباله حال الركوع
امنت بك ولو ضربت عنقي مرتضوي وقيل في الركوع اشارة
الى ادعاء العبودية وبرهان الدعوى السجدتان فهما كالشاهدين
لدعواه **للرفع منه** سمع الله لمن حمده الحمد لله رب العالمين اهل

الجبروت والكبرياء والعظمة لله رب العالمين بافوى والمأموم
يكتفي بقوله الحمد لله رب العالمين ولا ياتي بالدعاء **للسجود**
اللهم لك سجدت وبك امنت ولك اسلمت وعليك توكلت
وانت ربي سجد وجهي للذي خلقه وشق سمعه وبصره و
الحمد لله رب العالمين تبارك الله احسن الخالقين ثم
يقول سبحان ربي الاعلى وبحمده ثلثا صادقي ومن شاء فليزد
في التسبيح كما في الركوع وينبغي ان يخطر بباله في السجدة الاولى
اللهم انك منها خلقتنا اي من الارض وفي رفعها ومنها
اخرجتنا وفي الثانية واليها تعيدنا وفي رفعها ومنها
تخرجنا تارة اخرى مرتضوي وفيه اشارة الى قوله تعالى
منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى وليعلم
ان افضل العبادات الاركانية السجود وانه الموجب للقرب الى
الله تعالى كما في اية السجدة من سورة العلق قال الصادق
عليه السلم اقرب ما يكون العبد الى ربه وهو ساجد

فاى شئ يقول فيه اذا سجد قال الراوى قلت علمنى جعلت فداك
ما اقول قال قل يا رب الارباب ويا ملك الملوك ويا سيد
السادات ويا جبار الجبابرة ويا اله الالهة صل على محمد و
آل محمد وافعل بى كذا وكذا ثم قل فانى عبدك ناصيتى فى
قبضتك ثم ادع بما شئت وسله فانه جواد ولا يتعاظمه شئ
لما بين السجدتين استغفر الله ربى واتوب اليه وان شاء فليقل
اللهم اغفر لى وارحمنى واجبرنى وادفع عنى وعافنى انى لما
انزلت الى من خير فقير تبارك الله رب العالمين صادق
للقيام منهما اللهم ربى بحولك وقوتك اقوم واقعد صادق فى
قال عليه السلم وان شئت قلت واركع واسجد القنوت
كلمات الفرج وهى مشهورة وليضف اليها اللهم اغفر
لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فى الدنيا والاخرة انك
على كل شئ قدير او ما شاء من الادعية ومن المخصوصة
بقنوت الصبح اللهم من كان اصبح وله ثقة او رجاء

غيرك فانت ثقتى ورجائى يا اجود من سئل ويا ارحم من استرحم
ارحم ضعفى ومسكنتى وقلة حيلتى وامنن على بالجنة
وفك رقبتى من النار وعافنى فى نفسى وفى جميع امورى
برحمتك يا ارحم الراحمين وينبغى اطالته فعن النبى صلى
الله عليه وآله اطولكم قنوتا فى دار الدنيا اطولكم راحة
يوم القيمة فى الموقف وعن اهل البيت عليهم السلم افضل
الصلوة ما طال قنوتها التشهد بسم الله وبالله والحمد لله و
خير الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
اشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشيرا ونذيرا
بين يدى الساعة واشهد انك نعم الرب وان محمدا نعم
الرسول اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل شفاعته فى
امته وارفع درجته ثم يحمد الله مرتين او ثلثا صادق فى
وينبغى ان يخطر بالبال حين التورك ووضع ظهر قدمه اليمنى
على بطن اليسرى اللهم اقم الحق وامت الباطل للقيام منه

بحولك وقوتك اقوم واقعد او بحول الله اقوم واقعد صادقي
للتسليم السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته
السلام على انبياء الله ورسله السلام على جبرئيل وميكائيل
والملائكة المقربين السلام على محمد بن عبد الله خاتم
النبيين لا نبي بعده والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين
ثم تسليم صادقي لاعتذار الخلل فيها الهي هذه صلوتي صليتها
لا لحاجة لك اليها ولا رغبة لك فيها الا تعظيما وطاعة
واجابة لك الى ما امرتني به الهي ان كان فيها خلل او
نقص من ركوعها او سجودها او طهارتها فلا تؤاخذني
وتفضل علي بالقبول والغفران مصطفوي للتعقيب
تسبيح الزهراء مصطفوي قال الباقر عليه السلم ما عبد
الله بشيء من التحميد افضل من تسبيح الزهراء عليها السلم وقال
الصادق عليه السلم تسبيح فاطمة عليها السلم في كل يوم
في كل يوم في دبر كل صلوة احب الي من صلوة الف ركعة

في كل يوم والاخبار الواردة في فضله غير محصورة ثم الاذكار الواردة
لتعقيب الفرايض اليومية ونوافلها عموما وخصوصا كثيرة جدا
وقد جمعها غير واحد من اصحابنا رحمهم الله ورتبوها في كتبهم
مبسوطة وغير مبسوطة وخلاصتها ما اوردها والدي طاب
ثراه في كتابه الذي صنفه لبيان عبادات السنة ولكنه كغيره
من كتب الاكثر خال عن بيان اشرف اجزائه الذي هو التفكر فان
التعقيب الكامل هو ان يكون موزعا على اربعة انواع ادعية و
اذكار تكرر في سبحة وقراءة قرآن وتفكر وهم اقتصروا على الثلثة
الاول فحسب ولعلهم انما لم يتعرضوا للتفكر مع انه افضلها لعدم
وروده الامر به لخصوص التعقيب بل الامر به عاما لجميع الاحوال
والاوقات كما في الايات القرآنية والاخبار النبوية ولكن
الاولى ان يجعل من اجزاء التعقيب كما فعله جماعة من الاكابر
ليكون التوقيت والتوظيف باعثا على الاتيان به وعدم تفويته
فان الوقت يطالب بما وقت به بخلاف ما فيه سعة فانه يؤخر

غالبا بالتسويف حتى يفوت رأسا ولنورد هنا نبذة من كل واحد من الانواع الاربعة فنقول اما الاول فمن بدنه ما روى عن الباقر
عليه السلم قال يجزئك من الدعاء عقيب الفريضة ان تقول
اللهم اني اسألك من كل خير احاط به علمك واعوذ بك
من كل شر احاط به علمك اللهم اني اسألك عافيتك في
اموري كلها واعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة

ومما ذكره صاحب نهج البلاغة في حديث المعراج

انه رأى ملكا في السماء له الف الف رأس في كل رأس الف الف وجه
في كل وجه الف الف فم في كل فم الف الف لسان يسبح الله تعالى
كل لسان بالف الف لغة وهو قد سأل الله تعالى يوما هل في
عبادك من له مثل عبادتي فأوحى الله تعالى اليه ان لي في الارض
عبدا اعظم ثوابا منك واكثر تسبيحا فاستأذن الله تعالى
في زيارته فاذن له فاتاه فكان عنده ثلثة ايام فما وجده
يزيد على فرائضه شيئا غير قوله بعد كل فرض سبحان الله كلما

سبح الله شئ وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم
وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله شئ وكما يحب الله
ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
ولا اله الا الله كلما هلل الله شئ وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شئ وكما يحب الله ان يكبر
وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر على كل نعمة انعم
بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم
القيمة اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد واسألك
خير ما ارجو وخير ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر
وما لا احذر واما الثاني فتسبيح الزهراء فانه افضل الاذكار
المتكررة للتعقيب كما مر واما الثالث فقراءة الفاتحة وآية
الكرسي وشهد الله وآية الملك فعن النبي صلى الله عليه وآله
انه قال لما اراد الله عز وجل ان ينزل فاتحة الكتاب وآية الكرسي

يحب الله ان يهلل وكما هو اهله

وشهد الله وقل اللهم مالك الملك الى قوله بغير حساب يتعلقن
بالعرش ليس بينهن وبين الله حجاب فقلن يا رب تهبطنا الى دار
الذنوب والى من يعصيك ونحن متعلقات بالطهور والقدس
فقال سبحانه وعزتي وجلالي ما من عبد قرأكن في دبر كل صلوة
الا اسكنته حضيرة القدس على ما كان منه والا نظرت اليه
بعيني المكنونة في كل يوم سبعين نظرة والا قضيت له في كل
يوم سبعين حاجة ادناها المغفرة والا اعذته من كل عدو
ونصرته عليه ولا يمنعه من دخول الجنة الا الموت وعنه
صلى الله عليه وآله من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة مكتوبة
لم يمنعه من دخول الجنة الا الموت ولا يواظب عليها الا صديق
او عابد **واما الرابع فمحاسبة ويتنوع الى فنين** احدهما ان يحاسب
نفسه فيما سبق من تقصيره وترتب طاعته يومه الذي بين
يديه ويدبر في دفع الصوارف والعوائق الشاغلة له عن الخير
ويتذكر تقصيره وما يتطرق اليه الخلل من اعماله الصالحة و

يحضر في قلبه النيات الصالحة في اعماله في نفسه وفي معاملته
للمسلمين والثاني ان يتفكر في نعم الله وتواتر الآلاء الظاهرة
والباطنة ليزيد معرفته بها ويكثر شكره عليها ومرة في عقوباته
ونقماته ليزيد معرفته بقدرة الله واستغنائه ويزيد خوفه
منها ولكل واحد من هذه الامور شعب كثيرة يتسع الفكر فيها على
بعض الناس دون بعض ومهما تيسر الفكر فهو اشرف العبادة ففي
الخبر تفكر ساعة خير من عبادة ستين سنة والسر فيه ان في
الفكر معنى الذكر وزيادة امرين احدهما زيادة المعرفة اذ
الفكر مفتاح المعرفة والثاني زيادة المحبة اذ لا يحب القلب
الا من اعتقد تعظيمه ولا تنكشف عظمة الله وجلاله الا بمعرفة
صفاته ومعرفة قدرته وعجائب افعاله فيحصل من الفكر المعرفة
ومن المعرفة التعظيم ومن التعظيم المحبة والذكر ايضا يورث
الانس وهو نوع من المحبة التي سببها المعرفة اقوى واثبت
واعظم قال بعض العرفاء نسبة محبة العارف الى انس الذاكر

من غير تمام الاستبصار نسبة عشق من شاهد جمال شخص بالعين
واطلع على حسن اخلاقه وافعاله وفضائله وخصاله الحميدة بالتجربة
الى النسبة من كثر على سمعه وصف شخص غائب عن عينه بالحسن
في الخَلق والخُلق مطلقا من غير تفصيل وجوه الحسن فيهما فليس
محبته له كمحبة المشاهد وليس الخبر كالمعاينة انتهى كلامه رحمه الله
واخذ المصحف للقراءة اَللّهُمَّ اِنّي اُشهِدُكَ اَنَّ هذا كِتابُكَ المُنزَلُ
مِن عِندِكَ عَلى رَسولِكَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ الله كَلامُكَ النّاطِقُ عَلى لِسانِ
نَبيِّكَ جَعَلتَهُ هادِيًا مِنكَ اِلى خَلقِكَ وَحَبلًا مُتَّصِلًا فيما بَينَكَ
وَبَينَ عِبادِكَ اَللّهُمَّ اِنّي نَشَرتُ عَهدَكَ وَكِتابَكَ اَللّهُمَّ فَاجعَل
نَظَري فيهِ عِبادَةً وَقِراءَتي فيهِ ذِكرًا وَفِكري فيهِ اِعتِبارًا وَ
اجعَلني مِمَّن اتَّعَظَ بِبَيانِ مَواعِظِكَ فيهِ وَاجتَنَبَ مَعاصيكَ
وَلا تَطبَع عَلى قَلبي عِندَ قِراءَتي وَلا عَلى سَمعي وَلا تَجعَل عَلى بَصَري
غِشاوَةً وَلا تَجعَل قِراءَتي قِراءَةً لا تَدَبُّرَ فيها بَل اجعَلني اَتَدَبَّرُ
آياتِهِ وَاَحكامَهُ آخِذًا بِشَرايِعِ دينِكَ وَلا تَجعَل نَظَري فيهِ غَفلَةً

وَلا قِراءَتي هَذَرًا اِنَّكَ اَنتَ الرَّؤفُ صادقي وفيه اشارة الى القراءة
ينبغي ان يكون مع تدبر وتفكر واعتبار وانها اذا لم تكن كذلك فانما
ذلك لطبع على القلب والسمع وغشاوة على البصر وعن النبي صلى
الله عليه وآله رب تال القرآن والقرآن يلعنه اي يطرده ويبعده
عن الله تعالى نعوذ بالله من ذلك وعنه صلى الله عليه وآله اعطوا
اعينكم حظها من العبادة قالوا وما حظها من العبادة
يا رسول الله قال النظر في المصحف والتفكر فيه والاعتبار
عند عجائبه وينبغي ايضا ان يرتله ترتيلا ولا يحرك به لسانه
ليعجل به قال الله تعالى ورتل القرآن ترتيلا وهو حفظ الوقوف
وبيان الحروف كما روي عن امير المؤمنين عليه السلام وفسر الاول
بالوقف التام والحسن والثاني بالاتيان بصفاتها المعتبرة من
الهمس والجهر والاطباق والاستعلاء وغيرها من الآداب ان
يكون متطهرا ساكنا مطرقا مستقبل القبلة غير متكئ ولا متربع
ولا نائم وان يستشعر في اول قراءته تعظيم الكلام باستشعار

تعظيم المتكلم وان لا يقرأ آية الا وبصير بصفتها فيكون له بحسب كل
فهم حال ووجد فعند ذكر الرحمة ووعد المغفرة يستبشر كانه يطير
من الفرح ويبال ذلك بلسانه وقلبه وعند ذكر الغضب وشدة
العقاب يتضاءل كانه يموت من الفزع ويستعيذ من ذلك قلبا
ولسانا وعند ذكر الله واسمائه وعظمته يتطأطأ ويتصاغر كانه
يمحى من مشاهدة الجلال وعند ذكر الكفار ما يستحيل من ولده
صاحبه ينكسر ويغض الصوت كانه ينطمس من الحياء وليجتهد
ان يظهر آثار ذلك على جوارحه من بكاء عند الخوف والحزن
وعرق جبين عند الحياء واقشعرار جلد وارتعاد فرائص عند
الهيبة والاجلال وانبساط في الاعضاء واللسان والصوت
عند الاستبشار وانقباض فيها عند خلافه الى غير ذلك من
الآثار وينبغي ان ينظر في المصحف فان القراءة فيه افضل من
القراءة عن ظهر القلب والنظر فيه عبادة ولا تكن همه آخر السورة
وتكثير التلاوة فان القليل مع التدبر خير من الكثير تهذيرا

نعم لا ينبغي تلاوة اقل من خمسين آية كل يوم كما روي عن الصادق
عليه السلام لسجود التلاوة لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله ايمانا وصدقا لا اله الا الله عبودية ورقا سجدت
لك يا رب تعبدا ورقا لا مستكبرا ولا مستنكفا بل انا عبد
ضعيف ذليل خائف مستجير للفراغ منها اللهم اني قد قرأت
ما قضيته من كتابك الذي انزلته على نبيك الصادق صلى الله
عليه وآله فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم
حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله انسا في قبري وانسا
في حشري واجعلني ممن ترقيه بكل آية درجة في اعلى عليين آمين
رب العالمين وفيه اشارة الى ما ورد في الحديث من ان القرآن
يجيء يوم القيمة في احسن صورة فيشهد لتاليه باسهار لياليه واظماء
هواجره بقراءته وترتيله على اختلاف مراتب الناس في ذلك فيدخل
معه الجنة فيقال له اقرأ وارق فكلما قرأ آية صعد بها درجة
لختم القرآن اللهم انك اعنتني على ختم كتابك الذي

بطوله وهو من ادعية الصحيفة السجادية ولعمري انه بلغ اقصى
نهايات الكمال في بابه مع بلاغته وحسن مضامينه صلوات الله
على مصدره ومنشائه **لسجود الشكر** الحمد لله شكراً مائة مرة و
ليقل في كل عاشرة شكراً للمجيب وادون منه شكراً مائة مرة او عفواً
واقله شكراً ثلث مرات وليقل عند وضع خده الايمن على الارض
بصوت حزين ثلث مرات بؤت اليك بذنبي عملت سوءً وظلمت
نفسي فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب غيرك يا مولاي وعند وضع
خده الايسر ثلث مرات ارحم من اساء واقترف واستكان واعترف
وليبالغ في الدعاء وطلب الحوائج فيهما بما استطاع **للرزق بعد**
بسم الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم
اللهم اذهب عني الغم والحزن ثلثاً وليمسح يده اليمنى في كل
مرة على موضع سجوده وامرها على وجهه من جانب خده الايسر
وعلى جبهته الى خده الايمن فان ذلك ينفع صادق **للتهوض
من المصلى** سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين من تصوى قال عليه السلم
من اراد ان يكتال بالمكيال الاوفى فليكن هذا آخر قوله فان له من كل
مسلم حسنة وليصرف عن يمينه **لخروج من المسجد** اللهم دعوتني
فاجبت دعوتك وصليت مكتوبتك وانتشرت في ارضك كما
امرتني فاسئلك من فضلك العمل بطاعتك واجتناب
معصيتك والكفاف من رزقك برحمتك مصطفوي
وليصل على النبي صلى الله عليه وآله ويقدم رجله اليسرى
وقوله كما امرتني اشارة الى قوله تعالى فاذا قضيت الصلوة فانتشروا
في الارض وابتغوا من فضل الله **الفصل الثاني** فيما يتعلق
بما بين طلوع الشمس الى الزوال ووسط هذا الوقت هو الضحى
المقسم به في قوله تعالى والضحى والليل اذا سجى وهو وقت اشراق
الشمس المعني بقوله تعالى يسبحن بالعشي والاشراق وهو بعد مضي
ثلث ساعات من النهار اذا فرض النهار اثنا عشر ساعة ومنزلته
من الزوال والطلوع كمنزلة العصر من الزوال والمغرب

للطلوع اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين
واعوذ بالله ان يحضرون ان الله هو السميع العليم مروى
ماخوذ من قوله تعالى وقل رب اعوذ بك من همزات الشياطين
واعوذ بك رب ان يحضرون والهمزات الوساوس وعن الباقر
عليه السلم ان ابليس يبث جنوده عند طلوع الشمس وعند غروبها
فاكثروا فيهما ذكر الله وتعوذوا من شر ابليس وجنوده وعوذوا
صغاركم هاتين الساعتين فانهما ساعتا غفلة وعن الصادق
عليه السلم ان هذه الكلمة يقول قبل طلوع الشمس وقبل غروبها
عشر مرات قال فان نسيت قضيت كما قضيت الصلوة اذا نسيتها
للتصدق ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم وظنى
انه مصطفوى وعن الصادق عليه السلم بكروا بالصدقة
وارغبوا فيها فما من مؤمن يتصدق بصدقة يريد بها ما عند
الله ليدفع الله عنه بها شر ما ينزل من السماء الى الارض فى ذلك
اليوم الا وقاه الله شر ما ينزل فى ذلك اليوم وليقل الصدقة

عند الاعطا فان الله يأخذ منه ويعطى السائل وليعطها بلا من
ولا اذى ولا ريا بل ولا اعلان فان صدقة السر تطفى غضب
الرب تعالى **لدخول المنزل** بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وليسلم
على اهله ان كان فى البيت اهل والا فليقل بعد الشهادتين
السلام على محمد بن عبد الله خاتم النبيين السلم على الائمة الهادين
المهديين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين **للجلوس**
بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وال محمد مصطفوى
قال عليه السلم من قاله حين جلس وكل الله به ملكا يمنعه من
الغيبة ومن قاله حين قام وكل الله باهله ملكا يمنعهم من
غيبته رواه الخضر على نبينا وعليه السلم **وللتمسح بماء الورد**
الصلوة على النبى واله عليهم السلم وفى الحديث عنهم عليهم
السلم من مسح وجهه بماء الورد لم يصبه فى ذلك اليوم بؤس
ولا فقر **للنظر فى المرآة** الحمد لله الذى خلقنى فاحسن خلقى

وصوّرني فاحسن صورتي الحمد لله الّذي ان منّ ما شان من غيري و
اكرمني بالاسلام صادق وفيه اشارة الى قوله تعالى
وصوّركم فاحسن صوركم الاية وان شاء فليقل اللهمّ كما حسّنت
خلقي فحسّن خلقي ورزقي مصطفوي امر به امير المؤمنين عليه
السّلم وليكن المرآة بيده اليمنى ويمسح باليمنى على وجهه ويقبض على
لحيته لوضعها الى اليد اللهمّ لا تغيّر ما بنا من نعمتك واجعلنا
لانعمك من الشّاكرين للتسريح اللهمّ سرّح عنّي الهموم والغموم
ووحشة الصّدور ووسوسة الشّيطان صادقي وان
شاء فليقل ربّ اشرح لي صدري ويسّر لي امري وليقرأ سورة
الم نشرح والاخلاص وليكن جالسا والمشط بيده اليمنى للفراغ منه
سبحان من زيّن الرّجال باللّحى والنّساء بالذّوائب لحضور المائدة
اللهمّ اجعلها نعمة مشكورة نصل بها نعم الجنّة مصطفوي
لمدّ اليد اليها بسم الله والحمد لله ربّ العالمين صادقي قال
عليه السّلم من قال غفر الله له قبل ان يصل اللقمة الى فيه وروي

استحباب التسمية على كلّ لون بل كلّ اناء وان اتحدت الالوان
ومن نسي فليقل بسم الله على اوّله وآخره قال امير المؤمنين عليه
السّلم ضمنت لمن سمّى على طعام الّا يشتكي منه وان كان مع مجذوم
او ذي عاهة فليقل بسم الله ثقة بالله وتوكّلا عليه مصطفوي
وليكن جلوسه عند الاكل على يساره دون التربّع فانّه جلسة
مبغوضة ولا متّكئا وليبدأ بالملح ويختم بالخلّ وليكن على وضوء
ويأكل بثلث اصابع ويصغّر اللقم ويجوّد المضغ ويقلّل النظر
الى وجوه الجلساء وليقل ايضا ما روي عن امير المؤمنين عليه
السّلم انه قال لابنه الحسن يا بنيّ لا تطعمنّ لقمة من حارّ ولا بارد ولا
تشربنّ شربة ولا جرعة الّا وانت تقول قبل ان تأكله وقبل ان
تشربه اللهمّ انّي اسئلك في اكلي وشربي السّلامة من وعكه
والقوّة به على طاعتك وذكرك وشكرك فيما بقيته في بدني
وان تشجّعني بقوّتها على عبادتك وان تلهمني حسن التحرّز
من معصيتك فانّك ان فعلت ذلك آمنت وعكه وغائلته

والوعك الحمى والمها وفيه اشارة الى انه ينبغى ان يقصد بالاكل
التقوى على عبادة الله وطاعته دون حظ نفسه وشهوتها
وينبغى ايضاً ان ياكل ما تشتهيه اهله دون ما يشتهيه هو
عن النبى صلى الله عليه وآله المؤمن ياكل بشهوة اهله و
المنافق ياكل اهله بشهوته وليكثر التحميد فى اثنائه تأسياً
بالصادق عليه السلم قيل وافضل الدعاء الحمد لله الذى
يطعم ولا يطعم **للفراغ منه ١٤** الحمد لله الذى اطعمنا فى جائعين
وسقانا فى ظمآنين وكسانا فى عارين وهدانا فى ضالين
وحملنا فى راجلين وآوانا فى ضاحين واخدمنا فى عانين
وفضلنا على كثير من العالمين صادق قوله وآوانا فى ضاحين
اى اسكننا فى المساكن من جملة ضاحين اى ليس بينهم وبين
ضحوة الشمس ستر يحفظهم من حرها واخدمنا فى عانين اى جعل
لنا من يخدمنا من جماعة عانين من العنا وهو التعب والمشقة
وان شاء فالكلمة الموجزة الحمد لله الذى اطعمنى ولو شاء

اجاعنى فانها من الكلمات الخمس التى قيل بها سمى عليه السلم عبداً شكوراً
وليقل ايضاً الحمد لله الذى اطعمنيه ورزقنيه من غير
حول منى ولا قوة مصطفوى قال صلى الله عليه وآله اذا قاله
العبد بعد الطعام كان ذلك له كفارة ستين سنة من الذنوب و
اذا اكل اللبن فليقل اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه واذا اكل
السمك فليقل اللهم بارك لنا فيه وابدل لنا خيراً منه مصطفوى ان
قال جامع الاذكار محمد بن مرتضى عفى الله عنه انما قال رسول الله صلى الله
عليه وآله فى اللبن زدنا منه وفى السمك خيراً منه لان اللبن لا
يضر شيئاً قط بخلاف السمك فانه يورث السل ويذيب الجسد كان
طريا كما روى عن الصادق عليه السلم وعلى هذا فيجرى الحكمين فى كل ما
يضر وما لا يضر فاحدى الكلمتين لكل اكل وينبغى التقاط نثار المائدة
للاستشفاء والبركة واطالة الجلوس عليها ولعق القصعة والاصابع
رفع المائدة الحمد لله رب العالمين اللهم اجعلها نعمة
مشكورة مصطفوى **لغسل اليد** الحمد لله الذى هدانا واطعمنا

وسقانا وكل بلاء صالح اولنا مصطفوی وكان صلی الله علیه وآله
یمسح بفضل الماء الذی فی یده وجهه لاهل الطعام اللهم بارك
لهم فیما رزقتهم فاغفر لهم وارحمهم اللهم اطعم من اطعمنی واسق
من سقانی مصطفوی للشرب الحمد لله منزل الماء من السماء ومصرف
الامر كیف یشاء بسم الله خیر الاسماء وینبغی ان یشرب مصا لا عبا
وان یكون من شفته الوسطی وان لا یشرب من جانب العروة ولا
موضع الكسر ان كان به وان یكون بثلثه انفاس بعد كل نفس تحمید
فانه روی انه من فعل ذلك وجبت له الجنة واحسن منه ان یسمی
فی كل نفس قبل ویحمد بعد تأسیا بالنبی صلی الله علیه وآله وان یكون
من جلوس ان شرب لیلا ومن قیام ان شربه نهارا اللهم الحمد لله الذی
سقانی ماء عذبا ولم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی باقری وفی روایة
بزیادة قوله الحمد لله الذی سقانی فاروانی واعطانی فارضانی
وعافانی وكفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من
حوض محمد صلی الله علیه وآله وتسعده بمرافقته برحمتك

یا ارحم الراحمین وان شاء فالكلمة النوحیة الحمد لله الذی سقانی ولو
اظمانی فانها من الخمس كلمات ولیذكر الحسین علیه السلام ویلعن
قاتلیه فانه روی ان من فعل ذلك كتبت له مائة الف حسنة
وحط عنه مائة الف سیئة ورفع له مائة الف درجة وكانما
اعتق مائة الف نسمة وعن الصادق علیه السلام من شرب الماء باللیل
ویقول ثلث مرات علیك السلام من ماء زمزم وماء الفرات
لم یضره الماء باللیل للقیام مام للجلوس وقوله سبحانه سبحان
ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین روی انه كفارة للغو المجلس قلت وفیه ایضا
امتثال لقوله تعالی فسبح بحمد ربك حین تقوم و
للتختم اللهم سومنی بسیماء الایمان وتوجنی بتاج الكرامة
وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی قوله
سومنی بسیماء الایمان ای اظهر علامة الایمان فی اقوالی و
افعالی وسائر احوالی وفیه اشارة الی الخشوع الذی هو من نتایج

استيلاء الذكر القلبي وهو الذي سميناه الذكر الاركاني وتفصيل
علامات الايمان مذكورة في الخطبة المرتضوية التي وصف فيها
المتقين عند سؤال همام رضي الله عنه وينبغي التحنك للتعمم
فعن الصادق عليه السلام من تعمم ولم يتحنك فاصابه داء لا دواء
له فلا يلومن الا نفسه وعنه عليه السلام اني لاعجب ممن يأخذ
في حاجة وهو متعمم تحت حنكه كيف لا يقضي حاجته وهذه
السنة قد اندرست في زماننا هذا ولعل السر فيه اختصاصها
بمذهب اهل البيت عليهم السلام ومتروكيتها في زمان التقية
فآل الحال الى استمرار تركها الى هذا الزمان الذي لا عذر فيه وصار
غير مستحسنة في نظر العوام وجهلة الشيعة وانعكست القضية
وسمعت ان بعض اصحابنا كان يدير العمامة تحت حنكه اول ما يتعمم ليكون
آتيا بمستحب السنة ثم يحله للتقية وهو جيد وفيه عمل بالحديث الاول
لبس الثوب الحمد لله الذي كساني ما يواري عورتي واتجمل به في
الناس مصطفوي وان شاء فالكلمة الوجيزة الحمد لله الذي كساني ولو

شاء اعراني فانها من الكلمات الحسنة وينبغي ان يبدأ بيمينه **للجديد**
منه اللهم اجعله ثوب يمن وتقوى وبركة اللهم ارزقني فيه حسن
عبادتك وعملا بطاعتك واداء شكر نعمتك الحمد لله الذي
كساني ما اواري به عورتي واتجمل به في الناس باقري وينبغي
ان يكون متطهرا وليصل ركعتين يقرأ فيهما الحمد وآية الكرسي و
الاخلاص والقدر وليكثر من الحوقلة فانه اذا فعل ذلك لا يعصى
الله في ذلك الثوب وله بكل سلك منه ملك يقدس له ويستغفر
له ويترحم عليه مرتضوي **للفراغ منه** اللهم بك سترت واليك
توجهت وبك اعتصمت وعليك توكلت اللهم انت ثقتي وانت
رجائي اللهم اكفني ما اهمني وما لا اهمني وما لم اهتم به وما
انت اعلم به مني عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم زودني
التقوى واغفر لي ذنبي ووجهني للخير حيثما توجهت مصطفوي
كان صلى الله عليه وآله يقوله ثم يندفع لحاجته وكان له ثوبان ثوب
للجمعة خاصة سوى ثيابه في غير الجمعة **للخروج من المنزل** بسم الله

امنت بالله وتوكلت على الله سجادى قال عليه السلم ان العبد اذا
خرج من منزله عرض له الشيطان فاذا قال بسم الله قال الملكان كفيت
واذا قال امنت بالله قالا له هديت فاذا قال توكلت على الله قالا
له وقيت فتنحى الشيطان فيقول بعضهم لبعض كيف لنا بمن كفى
وهدى ووقى **الفصل الثالث فيما يتعلق بما بين الزوال الى انتصاف الليل** وفى هذا الوقت ساعات شريفة منها الظهر
المشار اليه بقوله سبحانه وحين تظهرون ومنها العصر المقسم به فى قوله تعالى
والعصر وهو المراد بالآصال فى قوله ولله يسجد من فى السموات
والارض طوعا وكرها وظلالهم بالغدو والاصال فى احد التفسيرين
هو العشى المذكور فى قوله تعالى بالعشى والاشراق ومنها الاصفرار
المشار اليه بقوله وقبل الغروب المراد بقوله تعالى فسبحان الله حين
تمسون وهو الطرف الثانى المراد بقوله تعالى واطراف النهار
قيل كانوا اشد تعظيما للعشاء منهم لاول النهار وقال بعض
السلف كانوا يجعلون اول النهار للدنيا وآخره للآخرة ومنها وقت

غيبوبة الشفق المقسم به فى قوله تعالى ولا اقسم بالشفق وقيل هو ناشئة
الليل لانه اول نشو ساعاته وهو ان من الاناء المذكورة فى قوله تعالى
ومن آناء الليل فسبح ومنها وقت استحكام الظلام المقسم به فى
قوله تعالى والليل وما وسق **لصوت الديك** سبوح قدوس رب
الملائكة والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا انت سبحانك
وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسى فاغفر لى انه لا يغفر الذنوب
الا انت صادق **للاظهار** سبحان الله والحمد لله الذى لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك فى الملك ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيرا
باقرى علمه لمحمد بن مسلم وقال له حافظ عليه كما تحافظ على عينيك
وفيه تلويح الى قوله تعالى فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون الى قوله
وحين تظهرون **للفراغ من كل ركعتين من الزوال** اللهم انى ضعيف
فقو فى رضاك ضعفى وخذ الى الخير بناصيتى واجعل الايمان
منتهى رضاى وبارك لى فيما قسمت لى وبلغنى برحمتك كل الذى ارجو
منك واجعل لى ودا وسرورا للمؤمنين وعهدا عندك **للتوجه**

ولا اله الا الله

للمؤذن اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة بلغ محمداً
صلى الله عليه وآله الدرجة والوسيلة والفضل والفضيلة بالله استفتح
وبالله استنجح وبمحمد صلى الله عليه وآله اتوجه اللهم صل على محمد وآل
محمد واجعلني بهم وجيهاً في الدنيا والآخرة ومن المقربين يقوله
بعد الاقامة والوسيلة منزلة من منازل الجنة وقيل هي القرب من
الله وقيل هي الشفاعة يوم القيمة للاصفرار امسى ظلمي مستجيراً بعفوك
وامست ذنوبي مستجيرة بمغفرتك وامسى خوفي مستجيراً بامانك
وامسى فقري مستجيراً بغناك وامسى وجهي البالي مستجيراً بوجهك
الباقي الدائم اللهم البسني عافيتك وغشني رحمتك وجللني
كرامتك وقني شر خلقك من الجن والانس يا الله يا رحمن يا رحيم
مصطفوي روى انه صلى الله عليه وآله كان اذا احمرت الشمس
على رأس قلة الجبل يقول ذلك وهملت عيناه دموعاً وينبغي الاكثار
من التسبيح والاستغفار قال الله تعالى وسبح بحمد ربك قبل
طلوع الشمس وقبل الغروب وقال تعالى واستغفر لذنبك وسبح بحمد ربك بالعشي و

وامسى ذلي مستجيراً بعزك

الابكار وليكن التسبيح باسمي العظيم والاعلى قال تعالى وسبح باسم
ربك العظيم وقال سبح اسم ربك الاعلى والاستغفار باسمي الغفار
والتواب قال تعالى واستغفروا الله انه كان غفارا وقال تعالى
واستغفروه انه كان تواباً قيل وليكن بالفاظ القرآن كقوله تعالى
رب اغفر وارحم وانت خير الراحمين وقوله تعالى فاغفر لنا وارحمنا
وانت خير الراحمين وان كان يوم الخميس فليقل استغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه توبة عبد خاضع خاشع
مسكين مستكين لا يستطيع لنفسه صرفاً ولا عدلاً ولا نفعاً
ولا ضراً ولا موتاً ولا حيوة ولا نشوراً وصلى الله على محمد و
عترته الطاهرين الاخيار الابرار وسلم تسليماً وان كان يوم الجمعة
فليدع بدعاء السمات وهو مشهور وسيجي له شرح للغروب مما تقدم
وقد مر للامساء اللهم اني اشهدك انه ما اصبح بي من نعمة
او عافية في دين او دنيا الدعاء وقدم في الاصباح مع اذكار
اخر لسماع اذانه اللهم اني اسألك باقبال ليلك وادبار نهارك

وحضور صلواتك الدعاء وقدم في اذان الصبح للسجدة بعد
نافلة المغرب اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم و
باسمك العظيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي
ذنبي العظيم سبع مرات صادقي قال عليه السلم من قاله في آخر
سجدة من النافلة بعد المغرب ليلة الجمعة وان قال كل ليلة فهو
افضل انصرف وقد غفر له للفراغ من العشاء آمن الرسول بما
انزل اليه من ربه والمؤمنون الى آخر السورة مصطفوي قال
صلى الله عليه وآله انزل الله آيتين من كنوز الجنة كتبهما الرحمن
بيده قبل ان يخلق الخلق بالفي سنة من قراهما بعد العشاء الآخرة
اجزاتاه عن قيام الليل وفي رواية من قرا الآيتين من آخر سورة
البقرة في ليلة كفتاه وعنه صلى الله عليه وآله من قرا الواقعة
بعد العشاء قبل نومه امن من الفاقة لرؤية المصباح اللهم
اجعل لنا نورا نمشي به في الناس ولا تحرمنا نورك يوم نلقاك
اللهم اجعل لنا نورا انك نور لا اله الا انت صادقي

للطالعة اللهم اخرجني من ظلمات الوهم واكرمني بنور
الفهم اللهم افتح علينا ابواب رحمتك وانشر علينا خزائن علومك
برحمتك يا ارحم الراحمين لانطفاء السراج اللهم اخرجنا من
الظلمات الى النور صادقي للمنام بسم الله اللهم اني اسلمت
نفسي اليك ووجهت وجهي اليك وفوضت امري اليك و
الجات ظهري اليك توكلت عليك رهبة منك ورغبة اليك
لا ملجا ولا منجا منك الا اليك آمنت بكتابك الذي انزلت
ورسولك الذي ارسلت ثم يسبح تسبيح الزهراء عليها السلم
باقري وان شاء فليقل الحمد لله الذي علا فقهر والحمد لله
الذي بطن فخبر والحمد لله الذي ملك فقدر والحمد لله الذي يحيي
الموتى ويميت الاحياء وهو على كل شيء قدير صادقي قال
عليه السلم من قال حين ياخذ مضجعه ثلث مرات خرج من الذنوب
كيوم ولدته امه وليقرا آية الكرسي فعن النبي صلى الله عليه وآله
من قراها اذا اخذ مضجعه امنه الله على نفسه وجاره وجار جاره

والابيات حوله واخر الكهف فعنه صلى الله عليه واله من قرأ هذه
الاية عند منامه قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله
واحد فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك
بعبادة ربه احدا سطع له نور الى المسجد الحرام حشو ذلك النور
ملائكة يستغفرون له وعن الزهراء عليها السلم انها قالت
دخل علي ابي رسول الله صلى الله عليه واله واني قد افترشت الفراش
واردت ان انام فقال يا فاطمة لا تنامي حتى تختمي القران وتجعليني
والانبياء شفعاءك وتجعلي المؤمنين راضين عنك وتعملي حجة
وعمرة ودخل في الصلوة فوقفت على فراشي حتى اتم الصلوة فقلت
يا رسول الله امرتني باربعة اشياء لا اقدر في هذه الساعة ان
افعلها فتبسم رسول الله صلى الله عليه واله وقال اذا قرأت قل
هو الله احد ثلث مرات فكانك قد ختمت القران واذا صليت
علي وعلى الانبياء من قبلي فقد صرنا لك شفعاء يوم القيمة واذا
استغفرت للمؤمنين فكلهم راضون عنك واذا قلت

تعملي اربعة اشياء حتى

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله فقد حججت واعتمرت
وليكن متطهر البيت وفراشه كمسجده قال بعض العرفاء
اذا نمت فاياك الا تنام الا على طهارة الظاهر والباطن وان
لا يغلبك النوم الا بعد غلبة ذكر الله على قلبك لست اقول لسانك
فان حركة اللسان بمجردها ضعيفة الاثر واعلم قطعا انه لا
يغلب في النوم الا ما كان غالبا قبل النوم ولا يبعث عن نومك
الا ما غلب على قلبك في نومك انتهى كلامه وليكن اضطجاعه
على جنبه الايمن ليكون نومه نوم المؤمنين للفزع منه
اعوذ بكلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده
ومن همزات الشياطين وان يحضرون عشر مرات مصطفى
وليقرء المعوذتين واية الكرسي واذ يغشيكم النعاس امنة
منه وجعلنا نومكم سباتا لخوف اللص قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر
بصلوتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل

الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك
ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا يقرأ عند منامه و
ليقرأه على الحلو والاقفال **للخوف الارق** سبحان الله ذي
الشان دائم السلطان عظيم البرهان كل يوم هو في شان
يا مشبع البطون الجائعة يا كاسي الجنوب العارية يا مسكن
العروق الضاربة يا منوم العيون الساهرة سكن عروقي الضاربة
واذن لعيني نوما عاجلا يقرأ عند منامه وليقرأ اية الكرسي
واذ يغشيكم النعاس امنة منه وجعلنا نومكم سباتا
للخوف الهدم ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما
غفورا رضوي قال عليه السلم لم يقله احد اذا اراد ان
ينام فسقط عليه البيت **للخوف العقرب والهوام** اعوذ
بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر
ما ذرأ وما برأ ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي

على صراط مستقيم باقري قال عليه السلم من قال هذه الكلمات
حين يمسي فانا ضامن له ان لا يصيبه عقرب ولا هامة حتى يصبح
وان شاء فليقل بسم الله وبالله وصلى الله على محمد وآله اخذت
العقارب والحيات كلها باذن الله تبارك وتعالى بافواهها
واذنابها واسماعها وابصارها وقواها عني وعمن احببت
الى ضحوة النهار ان شاء الله صادقي **للبراغيث** ايها الاسود
الوثاب الذي لا يبالي غلقا ولا بابا عزمت عليك بام الكتاب
ان لا يؤذيني واصحابي الى ان يذهب الليل ويجيء الصبح بما
جاء والذي نعرفه الى ان يؤب الصبح بما آب يقوله حين
ياخذ مضجعه مصطفوي **للخوف الاحتلام** اللهم
اني اعوذ بك من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان يتلاعب
بي الشيطان في اليقظة والمنام صادقي **للرؤيا سيئة**
اللهم انت الحي الذي لا يوصف والايمان يعرف منه منك
بدت الاشياء واليك تعود فما اقبل منها كنت ملجأه و

منجاه وما ادبر منها لم يكن له ملجأ ولا منجا منك الا اليك فاسألك
بلا اله الا انت واسألك بسم الله الرحمن الرحيم وبحق حبيبك
محمد صلى الله عليه وآله سيد النبيين وبحق علي خير الوصيين
وبحق فاطمة سيدة نساء العالمين وبحق الحسن والحسين اللذين
جعلتهما سيدي شباب اهل الجنة عليهم اجمعين السلم
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تريني ميتي في الحال التي
هو فيها قال الكفعمي رحمه الله في كتاب جنة الامان الواقية
رأيت بخط الشهيد رحمه الله قال وجدت في كتاب الفرج بعد الشدة
للقاضي التنوخي ما هذه صورته وما اعجب هنا الخبر فاني وجدته
في عدة كتب باسانيد غير اسانيد على اختلاف في الالفاظ
والمعنى قريب وانا اذكر اصحها عندي وجدت في كتاب
محمد بن جرير الطبري الذي سماه كتاب الحميد نقلته بحذف
الاسناد عن الحارث بن روح عن ابيه عن جده انه قال لبنيه
اذا دهمكم امر او اهمكم فلا يبيتن احدكم الا وهو طاهر على فراش

او لحاف طاهرين ولا يبيتن ومعه امرأة ليقرأ والشمس سبعا والليل سبعا
ثم ليقل اللهم اجعل لي من امري هذا فرجا ومخرجا فانه يأتيه
آت في اول ليلة او في الثالثة او في الخامسة واظنه
قال او في السابعة يقول له المخرج مما انت فيه قال انس
فاصابني وجع في رأسي ولم ادر كيف اتي له ففعلت اول ليلة
فاتاني اثنان فجلس احدهما عند رأسي والآخر عند رجلي
ثم قال احدهما للآخر جسه فلما انتهى الى موضع من رأسي قال
احجم ههنا ولا تحلق ولكن اطله بغراء ثم التفت الى
احدهما او كلاهما وقال لي كيف ولو ضممت اليهما التين و
الزيتون قال فاحتجمت فبرئت وانا فلست احدث به احدا
الا وحصل له الشفاء ورأيت في كتب بعض اصحابنا انه من
اراد رؤية احد من الانبياء والائمة عليهم السلم او الناس او
الوالدين في نومه فليقرأ والشمس والليل والقدر والجحد والاخلاص
والمعوذتين ثم يقرأ الاخلاص مائة مرة ويصلي على النبي وآله مائة

مرة و ينام على الجانب الايمن على وضوءٍ فانه يرى من يريد انشاء الله
ويكلمهم بما يريد من سؤالٍ وجوابٍ قال ورأيت في نسخة اخرى
هنا بعينه غير انه يفعل ذلك سبع ليالٍ بعد ان يقرأ هنا الدعاء على
وذكر الدعا الذى ذكرناه اولاً **لارادة الانتباه** قُلْ اِنَّمَا
اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحٰى اِلَىَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا
لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحاً وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَداً
صادق قال عليه السلم ما من عبد يقرأ آخر الكهف
قل انما انا بشر مثلكم حين ينام الا استيقظ في الساعة التي يريد
قال بعض مشايخنا رحمهم الله هذا من الامور المجربة التي لا
شك فيها قلت وهو كذلك ان شاء فليقل اللهم لا تؤمني مكرك
ولا تنسني ذكرك ولا تجعلني من الغافلين اقوم ساعة كذا وكذا
مصطفوي قال صلى الله عليه وآله من اراد قيام الليل واخذ
مضجعه فليقل ذلك فانه يوكل الله به ملكاً ينبهه تلك
الساعة **لرؤية ما يكره** اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ
الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ عذت بما عاذت
به ملائكة الله المقربون وانبياؤه المرسلون وعباده
الصالحون من شر ما رأيت ومن شر الشيطان الرجيم و
ليتحول عن شقه الذي كان عليه نائماً صادق وعن النبي صلى
الله عليه وآله انه قال الرؤيا الصالحة من الله فاذا رأى
احدكم ما يحب فلا يحدث بها الا من يحب واذا رأى رؤيا مكروهة
فليتفل عن يساره ثلاثاً وليتعوذ من شر الشيطان وشرها
ولا يحدث بها احداً فانها لن تضره **للتقلب على الفراش** لا اله
الا الله الحي القيوم وهو على كل شيء قدير سبحان الله
رب النبيين واله المرسلين وسبحان الله رب السموات
وما فيهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد
لله رب العالمين مرتضوي وعن الباقر عليه السلم في
قوله تعالى كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون قال كان القوم
ينامون ولكن كلما انقلب احدهم قال الحمد لله ولا

الٰه الا الله والله اكبر **الفصل الرابع فيما يتعلق بما بين انتصاف الليل الى طلوع الفجر** واوائل هذا الوقت هو المقسم به بقوله
تعالى والليل اذا سجى اى اذا سكن وسكونه هدوء فى هذا
الوقت فلا يبقى عين الا نائمة سوى الحى القيوم الذى لا تأخذه سنة
ولا نوم وقيل اذا سجى اذا امتد وطال وقيل اذا اظلم روى ان داود
عليه السلم قال الهى انى احب ان اتعبد لك فاى وقت افضل
فاوحى الله تعالى اليه يا داود لا تقم اول الليل ولا تقم آخره فان
من قام اوله نام آخره ومن نام اوله قام آخره ولكن قم وسط
الليل حتى تخلو بى واخلو بك وارفع الى حوائجك واواخر هذا
الوقت هو السحر المشار اليه بقوله تعالى وبالاسحار هم يستغفرون
وبعده طلوع الفجر المراد بقوله سبحانه فسبحه وادبار
النجوم للانتباه الحمد لله الذى احيانى بعد ما
اماتنى واليه النشور مصطفوى وفى رواية بعده الحمد لله
الذى رد على روحى لاحمده واعبده وليسجد ناسيا به صلى

الله عليه واله فانه ما استيقظ من نوم الا خر لله ساجدا وان شاء
فليقل الحمد لله الذى بعثنى من مرقدى هذا ولو شاء لجعله
الى يوم القيمة الحمد لله الذى جعل الليل والنهار خلفة
لمن اراد ان يذكر او اراد شكورا الحمد لله الذى جعل الليل
لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا لا اله الا انت
سبحانك انى كنت من الظالمين الحمد لله الذى لا يخلو منه
النجوم ولا تكن منه النشور ولا يخفى عليه ما فى الصدور
مصطفوى للجلوس بعده حسبى الرب من العباد حسبى
الذى هو حسبى مذ كنت حسبى الله ونعم الوكيل مرتضوى
للقيام منه اللهم اعنى على هول المطلع ووسع على
المضجع وارزقنى خير ما قبل الموت وارزقنى خير ما بعد الموت
صادقى كان عليه السلم يرفع بها صوته حتى يسمع اهل الدار
والمطلع بتشديد الطاء المهملة والبناء للمفعول امر الآخرة الذى
يحصل الاطلاع عليه بعد الموت وفيه اشارة لطيفة الى ان

الموت انتباه من نوم هذه النشأة **للنظر الى آفاق السماء** اللهم
انه لا يواري عنك ليل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات
مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجي تدلج بين يدي
المدلج من خلقك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور غارت
النجوم ونامت العيون وانت الحي القيوم لا تأخذك سنة ولا نوم
سبحان رب العالمين واله المرسلين والحمد لله رب
العالمين ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
الايات الخمس الى قوله تعالى انك لا تخلف الميعاد باقرئ قيل في
تفسير ليل ساج اي راكد ظلامه مستقر قد بلغ غايته من سجى
بمعنى ركد واستقر ولا بحر لجي بالتشديد اي عظيم والادلاج
السير بالليل وقد يطلق على العبادة فيه مجازا ومعنى تدلج
بين يدي المدلج ان رحمتك وتوفيقك واعانتك لمن توجه
اليك وعبدك صادرة عنك قبل توجهه اليك وعبادته لك
اذ لولا رحمتك وتوفيقك وايقاعك ذلك في قلبه لم يخطر

ذلك بباله فكانك اسريت اليه قبل ان يسري هو اليك وغارت
النجوم اي تسفلت واخذت في الهبوط والانخفاض بعدما كانت
آخذة في الصعود والارتفاع او بمعنى غابت وقوله سبحانك
فقنا عذاب النار بعد الاية السابقة اشارة الى ان خلق
السموات والارض انما هو لحكم ومصالح منها ان يكون سببا
لمعاش الانسان ودليلا يدل به على معرفة الصانع ويحثه على
طاعته والقيام بوظائف عبادته لينال الفوز الابدي والانسان
مخل بذلك في الاغلب **لدخول الخلاء** بسم الله وبالله اعوذ بالله
من الرجس النجس الخبيث المخبث الشيطان الرجيم صادقي ويكون
بعد وقوفه على الباب والتفاته يمينا وشمالا الى ملكيه قائلا
اميطا عني فلكما الله علي اني لا احدث بلساني شيئا حتى اخرج
اليكما اقتداء بامير المؤمنين عليه السلام **للكشف** بسم الله
مصطفوي قال صلى الله عليه وآله ان الشيطان يغض بصره
بذلك وفيه نكتة سيأتي الاشارة اليها في نزع الثياب **للاستهلا**

اللهم كما اطعمتنيه طيبا فى عافية فاخرجه منى خبيثا فى عافية
مصطفوى للنظر اليه اللهم ارزقنى الحلال وجنبنى
الحرام صادق فى قال عليه السلام ما من عبد الا وبه ملك
موكل يلوى عنقه حتى ينظر الى حدثه ثم يقول له الملك يا ابن آدم
هذا رزقك فانظر من اين اخذته والى ما صار فينبغى للعبد حينئذ
ان يقول ذلك للفراغ منه الحمد لله الذى اماط عنى الاذى و
هنانى طعامى وشرابى وعافانى من البلوى وليكن ذلك بعد
مسح بطنه بيده اليمنى قائما للنظر الى الما الحمد لله الذى جعل
الماء طهورا ولم يجعله نجسا مرتضوى للاستنجا اللهم
حصن فرجى واعفه واستر عورتى وحرمنى على النار مرتضوى
وليكن باليد اليسرى للخروج الحمد لله الذى اخرج عنى
اذاه وابقى فى قوته فيا لها من نعمة لا يقدر القادرون قدرها
مرتضوى وينبغى ان يتطهر عقيبه وعقيب كل حدث وان لم يرد
الصلوة ليكن على طهارة فى تمام اوقاته فان لذلك اثرا قويا فى

تنوير القلب للفراغ من كل مكتوبة من الليلة اللهم انى اسألك
ولم يسئل مثلك انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة
الراغبين ادعوك ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم
يرغب الى مثلك وانت مجيب دعوة المضطرين وارحم
الراحمين اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها يا
الله يا رحمن يا رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا
ونعمك التى لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها
اليك واقربها منك وسيلة واشرفها عندك منزلة
واجزلها لديك ثوابا واسرعها فى الامور اجابة وباسمك
المكنون الاكبر الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذى
تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وبكل اسم هو لك فى
التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكل اسم دعاك
به حملة عرشك وملائكتك وانبياؤك ورسلك واهل
طاعتك من خلقك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تعجل فرج

ولديك وتعجل خزى اعدائه وان تفعل بى كذا وكذا او يسبح
تسبيح الزهراء عليها السلم **للفراغ من الثامنة** اللهم انى اسألك
بحرمة من عاذ بك ولجأ الى عزك واستظل بفيئك واعتصم
بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى
يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك راغبا وراهبا وخوفا
وطمعا والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا
وساجدا وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفى كل حالاتى اسألك
ان تصلى على محمد وال محمد وان تفعل بى كذا وكذا ويذكر
حاجته **للفراغ من الشفع** الهى تعرض لك فى هذا الليل المتعرضون
وقصدك فيه القاصدون وامل فضلك ومعروفك الطالبون
ولك فى هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها
على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك
وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك
فان كنت تفضلت يا مولاى فى هذه الليلة على احد من

خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد وآله
الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بطولك ومعروفك
يا رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا انك حميد مجيد
اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى انك لا
تخلف الميعاد **لقنوت الوتر** لا اله الا الله الحليم الكريم لا
اله الا الله العلى العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب
الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم
اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله زين السموات
والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت الله
عماد السموات والارض وانت الله قوام السموات والارض
وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين
وانت الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين
وانت الله المجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين

وأنت الله الرحمن الرحيم وأنت الله كاشف السوء وأنت الله
بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك إلا حلمك ولا ينجي
من عقابك إلا رحمتك ولا ينجي منك إلا التضرع إليك
هب لي من لدنك يا إلهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك
بالقدرة التي بها أحييت جميع من في البلاد وبها تنشر ميت
العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الإجابة
في دعائي وارزقني العافية إلى منتهى أجلي وأقلني عثرتي ولا
تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم إن رفعتني
فمن ذا الذي يضعني وإن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني
وإن أهلكتني فمن ذا الذي يحول بيني وبينك أو يتعرض لك
في شيء من أمري وقد علمت أن ليس في حكمك ظلم ولا في
نقمتك عجلة وإنما يعجل من يخاف الفوت وإنما يحتاج إلى
الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا إلهي فلا تجعلني
للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني وأقلني

عثرتي ولا تتبعني ببلاء على أثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي
أستعيذ بك الليلة فأعذني وأستجير بك من النار فأجرني و
أسألك الجنة فلا تحرمني ثم ليدع بما أحب وليستغفر سبعين
مرة بأقريا وصادقي للرفع مرذكوعه هذا مقام من
حسناته نعمة منك وشكره ضعيف وذنبه عظيم وليس
لذلك إلا رفقك ورحمتك فإنك قلت في كتابك
المنزل على نبيك المرسل صلى الله عليه وآله كانوا قليلا من
ما يهجعون وبالأسحار هم يستغفرون طال هجوعي وقل قيامي
وهذا السحر وأنا أستغفرك لذنوبي استغفار من لا
يجد لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا
للفزع منه أناجيك يا موجود في كل مكان لعلك
تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي مولاي يا مولاي
أي الأهوال أتذكر وأيها أنسى ولو لم يكن إلا الموت
لكفى كيف وما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي

حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد
عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله من هوى
قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي و
من نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي ان كنت
رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل
السحرة اقبلني يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني
بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم اتيك فردا شاخصا اليك
بصري مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وابي وامي ومن
كان له كدي وسعيي فان لم ترحمني فمن يرحمني ومن يونس في
القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي وسألتني عما
انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك وان قلت
لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي
قبل ان تلبس الابدان سرابيل القطران عفوك عفوك يا مولاه
قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين ويا خير الغافرين

سجادي و يلقب بدعاء الحزين وفي قوله قد استكلب علي اي وثب
علي تشبيه للشيطان بالكلب قيل وفيه اشارة الى ان عداوته على
الامور الدنيوية فان الدنيا جيفة وطالبها كلاب قيل وفي
قوله قبل سرابيل القطران تلميح الى قوله تعالى وترى المجرمين يومئذ
مقرنين في الاصفاد سرابيلهم من قطران والسرابيل جمع سربال
وهو القميص والقطران عصارة شديدة النتن والحدة يطلى
بها الجمل الاجرب فيحرق جربها لحدتها ومن شانها ان يشتعل
النار فيما يطلى بها بسرعة وروى انه يطلى بها جلود اهل النار
الى ان يصير بهم بمنزلة القمصان فيجتمع عليهم لذعها وحدتها
مع احراق النار نعوذ بالله من ذلك **للصحيفة الفخرية** الخمس آيات
من اخر آل عمران الى انك لا تخلف الميعاد ثم ليقل استمسكت
بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين
واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم آمنت بالله وتوكلت
على الله الجأت ظهري الى الله وفوضت امري الى الله من يتوكل

على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا
اللهم من اصبح حاجته الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك
الحمد لرب الصباح الحمد لفالق الاصباح ثلثا صادقي للفراغ
منها اللهم يا ذا الملك المتأبد بالخلود والسلطان الممتنع بغير
جنود ولا اعوان الدعاء بطوله وهو من ادعية الصحيفة السجادية

الفصل الخامس فيما يتعلق بالجمعة وسائر الخصيصات لليلة الجمعة

يا دائم الفضل على البرية يا ذا المواهب السنية يا باسط اليدين
بالعطية صل على محمد وآل محمد خير الورى سجية واغفر لنا
يا ذا العلى في هذه العشية عشر مرات روي انه من قال ذلك
كتب له الف الف حسنة ومحي عنه من السيئات ورفع له من
الدرجات كذلك فاذا كان يوم القيمة زاحم ابرهيم عليه السلم
في مجلسه قال جامع الاذكار محمد بن مرتضى ان فضيلة هذه
الليلة ويومها على سائر الايام والليالي معلوم من الدين
ضرورة ولهما اذكار واوراد زيادة على غيرهما ينبغي ان

يحافظ عليها ولما كانت توجد مجتمعة في المصباح وغيره لم يحتج الى ذكرها
ولنقتصر على ذكر حديث واحد في فضيلة هذه الليلة روي عن
الباقر عليه السلم ان الله تعالى لينادي كل ليلة جمعة من فوق
عرشه من اول الليل الى اخره الا عبد مؤمن يدعوني لدينه او دنياه
قبل طلوع الفجر فاجيبه الا عبد مؤمن قد قتر عليه رزقه فيسألني
الزيادة في رزقه قبل طلوع الفجر فاعافيه الا عبد مؤمن محبوس
مغموم يسألني ان اطلقه من سجنه واخلي سربه الا عبد
مؤمن مظلوم يسألني ان آخذ له بظلامته قبل طلوع الفجر فانتصر
له واخذ له بظلامته قال عليه السلم فلا يزال ينادي بهذا حتى
يطلع الفجر ليومها اللهم اني تعمدت اليك بحاجتي و
انزلت اليك اليوم فقري وفاقتي ومسكنتي فانا بمغفرتك
ارجى مني لعملي ولمغفرتك ورحمتك اوسع من ذنوبي فتول
قضاء كل حاجة لي بقدرتك عليها وتيسير ذلك عليك و
لفقري اليك فاني لم اصب خيرا قط الا منك ولم يصرف عني